روایت من

به بهانه ۳۸ سالگی سیدحسن خمینی

سالی بر مدار سیاست

اگر نبود پیام تبریک نتیجه امام خمینی(ره) بر صفحه یک سایت به مناسبت زادروز پدر، شاید به یاد کسی نمی‌آمد که سیدحسن خمینی ۳۸ سال پیش در چنین روزی در شهر نجف چشم به جهان گشوده است، زیرا اساساً کوچک‌ترین اتصال با دنیای سیاست آنقدر هیاهو در زندگی فرد پدید می‌آورد که هیاهوی سالروز دیده بر جهان گشودن، به‌رغم دیگران در تاب و تب اخبار زندگی چنین فردی بی‌معنا می‌شود. اما درباره نواده امام که یک سال متفاوت را در زندگی‌اش تجربه کرده است و از میان این تجربه با تمام اکراه پا به بازار پرقال و مقال سیاست گذاشته است، متن پراحساس پسرش احمد که رنگ چشمان پدر را، رنگ صبر، امید، آزادی و شادی دانسته بهانه خوبی است تا نگاهی گذرا به تجربه یک ساله مردی بیندازیم که در ۳۸ سالگی به رخسار جوان‌تر است و به رفتار میانه‌سال‌تر.

واقعیت آن است که حجم و تعدد خبرهایی که از حوالی مرداد سال ۸۸ تا اول مردادماه سال ۸۹ درباره سیدحسن خمینی در سایت‌های خبری و رسانه‌های دیگر منتشر شده است به احتمال از مجموع کل خبرهای سال‌های گذشته زندگی‌اش پیشی می‌گیرد؛ خبرهایی که شاید در سال‌های گذشته حدس وقوع‌شان به ذهن هیچ تنابنده‌ای خطور نمی‌کرد.

اینکه یک روز میان خیابان‌های پایتخت مردمانی خشمگین از حوادث عاشورا نواده رهبر فقید انقلاب را خطاب شعارهایشان قرار دهند و روزی دیگر در ذکر نام او به تعمد شهرت خانوادگی‌اش را شکسته‌بسته ادا کنند تا شاید ذکر آن نام بزرگ مانع از بیان شماتت‌ها و مخالف‌خوانی‌ها نشود.

اینها خبرهایی بود که به دور از ذهن می‌رسید اما شعار دادن و بلوا به پا کردن در هنگامه سخنرانی نواده امام خمینی(ره) درست در سالروز ارتحال رهبر فقید انقلاب شاید باورنکردنی‌تر می‌نمود. اما آنچه شنونده و خواننده این خبرها در مواجهه با این خبرها بر زبان می‌راند ذکر این سوال بود که کدامین کنش چنین واکنش‌هایی را فراهم آورده است؛ پرسشی که شاید پاسخی قانع‌کننده نیابد.

سیدحسن خمینی در یک سال گذشته عمرش و بر بردار سیاست در نقطه‌ای ایستاد که چندان خوشایند مذاق منتقدانش نبود.

اتفاقاتی که جای گذشت و شکیب در برابر سیدحسن باقی نمی‌گذاشتند. اما از میان مرور این اتفاقات می‌توان قرائتی دیگر از زندگی وی در یک سال گذشته به دست آورد؛ قرائتی که می‌گوید اگر ۴۰ سالگی را همچون گذشتگان سمبل پختگی و کمال‌یافتن آدمی بدانیم و اگر بر همین سیاق ۴۰سالگی را دروازه وارد شدن به وادی بزرگان سیاست و کفایت توشه تجربه فرد برای حضور در عرصه‌های سخت بدانیم نواده امام عبور از این مرحله را پیش از آنکه حقیقتاً ۴۰ ساله شود، تجربه کرده است. حفظ سکوت و میان‌داری و نغلتیدن در امواج تخریب‌ها و تخطئه‌های رایج آن چیزی است که تنها از عهده آبدیدگان سیاست بر می‌آید.

اما خمینی بودن و میراث‌داری کسی که کوچک و بزرگ و مخالف و موافق خود را پیرو راه و مسلک او می‌شمارند ناگزیر پذیرفتن این شماتت را نزد سیدحسن خمینی به هواداری و گرایش یافتن به سمت و سوی جریانی خاص ارجحیت می‌داد.

به هر روی وارث خاندان خمینی چه در مقام یک میاندار بایستد و چه با شماتت به‌رغم تهدید برخی رابطه نسبی‌اش با امام منوط شود به پیروی از راه امام آن هم به شرط انطباق با تفسیرهای خاص، لاجرم در ایام آینده زندگی‌اش و به اعتبار اتفاقاتی که در خلال ۳۵ سالگی‌اش از سر گذراند دیگر تنها یک عضو از خانواده‌ای که نام بزرگ خمینی بر شناسنامه و اعتبارشان درج شده نیست، بلکه روحانی است که به ناگزیر باید در حوالی سیاست روزگاری سپری کند و بر معادلات سیاسی کشور اثر بگذارد. این راهی است که منتقدان سیدحسن بیش از حامیانش او را به تجربه و عبور از آن ترغیب می‌کنند.

عدلیه

تداوم بازداشت محمدرضا جلایی‌پور

قرار بازداشت محمدرضا جلایی‌پور برای یک ماه دیگر تمدید شد. همسر محمدرضا جلایی‌پور با اعلام این خبر گفت قرار بازداشت جلایی‌پور که ۴۰ روز پیش برای سومین بار با حکم دادستانی مشهد بازداشت شده بود، مجدداً تمدید شد.

سعید ترابیان از زندان آزاد شد

سعید ترابیان از اعضای هیات‌مدیره و مسوول روابط عمومی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پس از ۴۲ روز بازداشت، روز چهارشنبه از زندان آزاد شد. اتهام سعید ترابیان اقدام علیه امنیت ملی و تبلیغ علیه نظام عنوان شده است.

اعظم ویسمه آزاد شد

اعظم ویسمه که از یازدهم خرداد بازداشت شده بود با سپردن وثیقه ۷۰ میلیون تومانی آزاد شد. وی از خبرنگاران پارلمانی بوده که سابقه فعالیت در بسیاری از رسانه‌های مستقل را در کارنامه کاری خود دارد.

محکومیت هفت فعال سیاسی گرگان به ۹ سال حبس

هفت نفر از فعالان سیاسی گرگان مجموعاً به ۹ سال حبس محکوم شدند. بر این اساس حسین رفعتی، محمدحسین کی‌قبادی و ابراهیم بیگانه هر کدام به دو سال حبس محکوم شدند که حکم صادره به مدت پنج سال مورد تعلیق خواهد بود و همچنین محمد رفعتی و مهدی قلی‌تبار هر کدام به شش ماه حبس محکوم شدند که حکم آنان برای مدت سه سال مشمول تعلیق است. علی قلی‌تبار و احسان اعلایی‌فر نیز هر کدام به یک سال حبس محکوم شدند که حکم‌شان به مدت پنج سال مورد تعلیق است. اتهام اینها اقدام علیه امنیت داخلی و شرکت در تجمعات غیرقانونی عنوان شده است.

حجت‌الاسلام محسن دعاگو در گفت‌وگو با «شرق»

هاشمی، شناسنامه نظام است

گروه سیاسی، ریحانه طباطبایی: نزدیکی سالگرد واپسین نماز جمعه‌ای که به امامت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی اقامه شد و اولین نماز جمعه تهران به امامت آیت‌الله طالقانی باعث شد به گفت‌وگو با امام جمعه شمیرانات بنشینیم که هرچند امامت نمازگزاران یکی از شهرستان‌های تهران را بر عهده دارد اما به خاطر صراحت لهجه و خطبه‌های آتشین و انتقادی همپای خطبای تهران و مشهد صاحب‌نام است. حجت‌الاسلام محسن دعاگو که علاوه بر امامت جمعه شمیرانات از اعضای برجسته جامعه روحانیت مبارز نیز هست در این گفت‌وگو هم به جایگاه نماز جمعه در نظام می‌پردازد و هم به جایگاه برخی خطیبان نظام از جمله آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی همتای پایتخت‌نشین‌اش که به گفته او «شناسنامه جمهوری اسلامی است.»

– سال گذشته دو خطیب برجسته تهران و قم از امامت جمعه کناره‌گیری کردند؛ یکی آیت‌الله جوادی‌آملی و دیگری هاشمی‌رفسنجانی. کناره‌گیری از این مسوولیت عبادی- سیاسی چه پیام و پیامدهایی برای خود خطیبان، جامعه، دیگر خطیبان و جریان‌های سیاسی دارد؟

یکی از بزرگ‌ترین ناهنجاری‌های فرهنگی و سیاسی در جامعه کنونی، تندروی‌های سازمان‌یافته برای پیشبرد اهداف سیاسی است. در نگاه فریب‌خوردگان، تندروی‌ها، حمایت از اسلام، نظام و انقلاب است ولی در نگرش تحلیلگرانه و آسیب‌شناسانه، تندروی‌های مدعیان دینداری اعتبار نظام دینی، وحدت و امنیت ملی، شاخصه‌های منطق‌گرایی، آزادی و راهبرد آرامش‌آفرینی را با سایش و فرسایش مواجه می‌سازد، اتکای دین و حکومت دینی بر خردمندی و خردورزی را زیر سوال می‌برد و متاسفانه همیشه در فضای تندروی‌ها، حکم و مجازات را مدعیان و تهمت‌پراکنان تعیین می‌کنند. دلایل کناره‌گیری آیت‌الله جوادی‌آملی و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی هرچه باشد امکان تاثیر تندروی‌های حرمت‌شکنان حریم‌ناشناس و خداناسپاس در انگیزه کناره‌گیری این دو شخصیت بانفوذ دینی و ملی قابل انکار نیست. نماز جمعه از شئون متصل به عرصه ولایت است، خطبه‌های غنی و تحلیل‌های قوی به آرمان وحدت‌آفرینی، اعتمادسازی و تحکیم و تقویت ساختارهای حکومتی می‌انجامد، فقدان آن خطبه‌ها و تحلیل‌ها از اعتبار نهاد مقدس نماز جمعه می‌کاهد، ملت ایران و مسلمانان جهان از روشنگری‌ها و آگاهی‌بخشی‌های فرهنگی و سیاسی نخبگان برجسته محروم می‌شوند، اقتدار ملی آسیب‌پذیر و افکار عمومی در حدس و گمان‌های نگران‌ساز اسیر می‌شوند.

–شما همچنان به عنوان یکی از منتقدان صریح‌اللهجه شناخته می‌شوید. آیت‌الله جوادی‌آملی سال گذشته اعلام کردند چون امکان طرح پاره‌ای از مسائل را ندارند کناره‌گیری می‌کنند. تحلیل شما از رویکرد آیت‌الله هاشمی و آیت‌الله جوادی‌آملی چیست؟

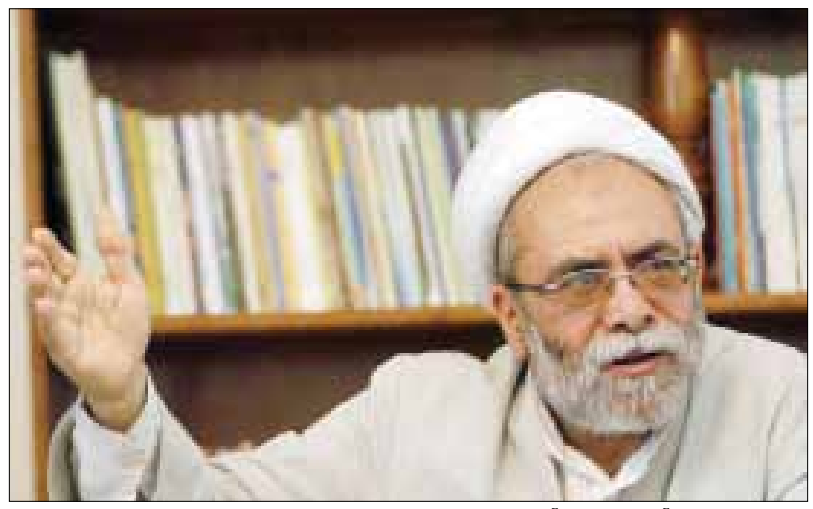

دقیق‌ترین پاسخ به این پرسش را باید از آیت‌الله جوادی‌آملی و آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی دریافت کرد ولی در نگرشی تحلیلی، فشارهای ناشی از تندروی‌های سازمان‌یافته، توهین و تخریب‌های برنامه‌ریزی‌شده و تنش‌آفرینی‌های نادانان فریب‌خورده و مغرضان آلوده در این تحولات تاثیری آشکار و غیرقابل انکار دارد. مسلماً نگرانی خطیبان جمعه از فتنه‌سازی و حریم و حرمت‌شکنی در مقدس‌ترین عرصه عبادی- سیاسی از دلایل کناره‌گیری این دو شخصیت دینی و ملی است.

– شما یکی از منتقدان دولت آقای سیدمحمد خاتمی بوده‌اید، حال بعد از گذشت پنج سال از دولت آقای احمدی‌نژاد، عمده تفاوت‌ها و تمایزهای این دو دولت به اعتقاد شما چیست؟

اعتمادسازی در عرصه بین‌المللی، افزایش اعتبار سیاسی در مناسبات جهانی، توجه ویژه و برجسته به منطق گفتمان سیاسی و توجه به آزادی‌های قانونی از یکسو و فعال شدن جریان ملی‌نمایی و بیگانه‌گرایی، ترویج سکولاریسم و پلورالیسم، ستیزه‌جویی با اسلامیت نظام جمهوری اسلامی و سازماندهی توطئه‌های براندازی از طریق افکار عمومی از سوی دیگر، عمده‌ترین نقاط قوت و ضعف دوران موسوم به اصلاحات بود. ساده‌زیستی، سفرهای تبلیغاتی سیاسی به نقاط مختلف ایران اسلامی، توزیع نسبی سرمایه‌های ملی بین اقشار مردمی، مواضع انقلابی و حمایت از ساختارها و فعالیت‌های فرهنگی از نقاط قوت و شعارگرایی، ناهماهنگی با نهادهای قانونی، قوانین رسمی و قانون اساسی، مواضع نسنجیده سیاسی و اقتصادی، کم‌توجهی به ثبات‌آفرینی، شایستگی و کارهای زیربنایی و بهانه‌سازی سیاسی تبلیغاتی برای دشمنان جمهوری اسلامی در حساس‌ترین مسائل ملی از ضعف‌های پدیدار شده در دوران نقش‌آفرینی دولت نهم و دهم است.

– شما یکی از افرادی بودید که سال ۸۷ نسبت به خطر ظهور خوارج جدید ابراز نگرانی کردید و در این باره هشدار دادید. در شرایط کنونی بسیاری از چهره‌های سیاسی و تشکل‌های اصولگرا نیز در همین باره احساس خطر کرده‌اند، تحلیل شما از خوارج امروز چیست و آنها را در چه وضعیتی می‌بینید؟ راه برخورد با این طیف چیست؟

خوارج جدید در ساختار افراطی‌گری نقش و سهم اساسی‌ای برعهده دارند و برای دلایل دین‌ستیزانه آلودگان به ناسیونالیسم وارداتی (ملی‌نمایی و بیگانه‌گرایی) سند و شاهد عینی ارائه می‌دهند. خشونت‌طلبان، متحجران و معتقدان ظهور امام زمان(عج) در بستر گناهکاری و فسادگستری منتظران را از ارکان ساختاری در ساختار خوارج جدید می‌دانم. در جمع خوارج جدید، ریاکاری، دروغگویی و شعارپردازی متضاد با رفتارهای سیاسی از رویدادهای عادی است.

– عده‌ای معتقدند هاشمی ضعیف‌شده بهتر از هاشمی محذوف است، نظر شما چیست؟

آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی سرمایه ارزشمند ملی، شناسنامه جمهوری اسلامی و از شخصیت‌های دینی، ملی و بین‌المللی است. مصلحت نظام جمهوری اسلامی، تقویت هاشمی‌رفسنجانی و بهره‌گیری از توان فکری این شخصیت بزرگوار برای اعتمادآفرینی و افزایش اعتبار و اقتدار جمهوری اسلامی است. تضعیف و حذف هاشمی و امثال هاشمی از توان ملی می‌کاهد و رهبر، ملت و کشور را از یک سرمایه ارزشمند و بی‌مانند ملی محروم می‌سازند.

– برخی معتقدند تریبون نمازجمعه عمومیت گرا نیست. آیا این اعتقاد را درست می‌دانید؟

نهاد نماز جمعه در سراسر کشور، وابسته به رهبری نظام، فراجناحی، ملی، جهان اسلامی و جهانی است. استفاده جناحی از نماز جمعه و تبدیل شدن نماز جمعه به تریبون جریان‌های درگیر سیاسی با خط‌مشی‌های تعیین‌شده برای ائمه محترم جمعه سازگار نیست. امام جمعه باید نقد منصفانه و تشویق و تایید واقع‌بینانه را برگزیند و استقلال نماز جمعه را در هیچ شرایطی آسیب‌پذیر نسازد.

– یکی از مسائلی که انتقادات برخی علما را برانگیخت بحث ارتباط زلزله با افزایش گناه بود، ترویج این عقاید خرافی به چه منظوری صورت می‌گیرد؟

تعبیر زلزال «تنش و لرزش» به زمین‌لرزه و مرگ ناگهانی به نتیجه آن حادثه بسترساز برداشت‌های نادرست از برخی روایات دینی است. زلزله رویدادی طبیعی است که گناهکار و بی‌گناه، عالم و جاهل و سیاستمدار و بی‌سیاست نمی‌شناسد و اگر قوانین مربوط به حوزه زلزله رعایت نشود، سهل‌انگاران در پیامدهای منفی آن گرفتار می‌شوند.

– اخیراً اظهارنظری صورت گرفته که در ایران یک حزب بیشتر نداریم و آن حزب ولایت است، بیان چنین دیدگاهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

شکل‌گیری و فعالیت قانونی احزاب سیاسی نص قانون اساسی است. حزب‌الله، تشکل دینی و جهان اسلامی دینداران ولایت‌مدار در جامعه جهانی است و بر هیچ اساسی حزب سیاسی دارای اساسنامه و مرامنامه نیست. اگر گویندگان به جایگاه سیاسی اجتماعی خود توجه کنند و در اظهارنظرهای سیاسی از محدوده قانون اساسی و منافع و مصالح ملی فراتر نروند یکی از برترین آرمان‌های دینی و ملی تحقق می‌یابد و از نگرانی افکار عمومی می‌کاهد.

– در دوره‌ای منتقد اصلاح‌طلبان بوده‌اید، در حال حاضر آنها از کلیه مصادر و مناصب و عرصه‌های رسانه‌ای و حزبی حذف شده‌اند و در این مورد چه نظری دارید؟

کلیه گروه‌ها و گرایش‌های وفادار به نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی باید در پیشبرد آرمان‌های ملی و آفرینش اعتبار و اقتدار ملی نقشی شایسته ایفا کنند. حذف میثاق‌گرایان از عرصه‌های اقتدار و اعتبارآفرینی برای ملت ایران سازگار با قانون اساسی و منویات امام و رهبری نیست. ایران اسلامی را ملت ایران می‌سازند و شایستگان و میثاق‌گرایان همه گروه‌ها و گرایش‌ها باید فرصت نقش‌آفرینی و ادای سهم خویش در اعتبار و اقتدار ملی را بیابند.

مروری بر ارتباط شاگردان آیت الله مصباح با دولت

استعفای سقای بی‌ریا پذیرفته نشد

گروه سیاسی: روز گذشته و در پی برخی انتقادات آیت‌الله مصباح‌یزدی از رویکرد فرهنگی دولت در دو ماه اخیر و سرمقاله تند و تیز هفته‌نامه «پرتو» وابسته به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) در اعتراض به اظهارات احمدی‌نژاد درباره حجاب، محمدناصر سقای‌بی‌ریا مشاور احمدی‌نژاد در امور روحانیت در گفت‌وگویی خبر کناره‌گیری‌اش را از دولت تایید کرد و البته خاطرنشان ساخت استعفایش مورد قبول رئیس‌جمهور قرار نگرفته است و به این ترتیب بر خبری که از پنجشنبه در محافل غیررسمی پیچیده بود نصفه و نیمه مهر تایید زد چراکه وی توضیح نداد به چه دلیل بعد از پنج سال مشاورت احمدی‌نژاد تصمیم به کوچ از دولت گرفته است. این در حالی بود که سایتی که برای نخستین‌بار شایعه استعفای او را منتشر ساخته بود علت استعفای او را اظهارات اخیر احمدی‌نژاد درباره حجاب و بدحجابی عنوان کرده بود. اگرچه با توجه به انتقادات آیت‌الله مصباح‌یزدی از رویکرد فرهنگی دولت، قسمت دوم شایعه هم می‌توانست چون قسمت اول از حقیقت مایه گرفته باشد اما آنچه بیش از اینها اهمیت داشت رسانه‌ای شدن استعفای دولتمردی بود که بیش از آنکه به خاطر مسوولیتش در دولت شناخته‌شده باشد به واسطه انتسابش به موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) و مصباح‌یزدی شناخته می‌شود و البته در پنج سال گذشته هم بیش از آنکه در تهران باشد در قم به سر برده است.

استعفای شاگرد آیت الله مصباح‌یزدی اگرچه از سوی احمدی‌نژاد پذیرفته نشد اما برای یک بار دیگر نگاه‌ها را متوجه ارتباط آیت‌الله مصباح‌یزدی و محمود احمدی‌نژاد کرد که در نگاه اولیه این نکته رخ می‌نماید که این ارتباط، امروز به همان خوبی پنج سال پیش نیست. از سویی غلامحسین الهام و پرویز داودی از استادان موسسه آیت‌الله مصباح‌یزدی دیگر یا در دولت جایی ندارند یا نقش‌شان کمرنگ شده است. مرتضی آقاتهرانی دیگر شاگرد آیت‌الله مصباح‌یزدی و معلم اخلاق دولت پای تذکر قانونی به احمدی‌نژاد بر سر حجاب را امضا می‌کند. از یک سو آیت‌الله مصباح‌یزدی در برخی سخنرانی‌های از احمدی‌نژاد و برخی نزدیکانش گله می‌کند و از سوی دیگر هفته‌نامه پرتو نزدیک به آیت‌الله مصباح‌یزدی در سرمقاله‌ای به دولت می‌تازد.

«حضرت آیت‌الله مصباح به عنوان چهره شاخص طرفدار روی کار آمدن آقای احمدی‌نژاد بودند و خیلی موثر. [وی] یکی از تاثیرگذاران بوده‌اند و کسی نمی‌تواند این را انکار کند. در موسسه امام خمینی(ره) که بنده عضو هیات علمی آن هستم تمام کارمندان و اعضای هیات علمی یک روز حقوق خود را به ستاد دکتر احمدی‌نژاد اختصاص دادند.» این بخشی از اظهارات مشاور مستعفی احمدی‌نژاد و شاگرد آیت‌الله مصباح‌یزدی بود که در نخستین روزهای روی کار آمدن احمدی‌نژاد مطرح شد. ارتباط محمود احمدی‌نژاد و آیت‌الله محمدتقی مصباح‌یزدی از آن روزی نگاه ویژه محافل سیاسی و رسانه‌ای را به خود جلب کرد که احمدی‌نژاد بلافاصله بعد از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری نهم عازم قم شد تا دیدار با آیت الله مصباح‌یزدی یکی از نخستین ملاقات‌های شهردار دیروز و رئیس‌جمهور امروز باشد.

اندکی بعد از این دیدار بود که رسانه‌ها اسامی شاگردان آیت‌الله مصباح‌یزدی را که عموماً تربیت‌یافته موسسه امام خمینی(ره) بودند منتشر ساختند که در دولت احمدی‌نژاد مسوولیت پذیرفته بودند. پرویز داودی اودی از استادان موسسه در قامت معاون اول رئیس‌جمهور وارد کابینه شد و غلامحسین الهام دیگر استاد موسسه قطاری از عناوین و پست‌ها را از آن خود کرد. مرتضی آقاتهرانی معلم اخلاق دولت شد و محمدناصر سقای‌بی‌ریا مشاور رئیس‌جمهور در امور روحانیت. اگرچه این انتصاب‌ها اما و اگرهای زیادی به دنبال داشت اما هیچ‌کدام اندازه مسوولیت سقای‌بی‌ریا مورد انتقاد قرار نگرفت، چرا که به گفته برخی ناظران انتصاب مشاوری که بیش از آنکه با حوزه آشنا باشد در امریکا به سر برده بود.

انتصاب محمدناصر سقای‌بی‌ریا شاگرد آیت‌الله مصباح‌یزدی آنجایی بیشتر مورد انتقاد قرار گرفت که برخی روحانیون معتقد بودند واگذاری این مسوولیت به یکی از دانش‌آموختگان موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) برخی شائبه‌ها را مطرح خواهد کرد؛ موسسه‌ای که سال ۷۴ از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی و با امضای رئیس جمهور وقت آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی رسمیت یافت و اگرچه در آبان ۸۰ مجوز خود را از کمیسیون ماده ۱۰ احزاب گرفت و به عنوان یک تشکل سیاسی ثبت شد اما با وضع برخی قوانین تنها به روحانیون مختص شد.

بلافاصله پس از رسمیت یافتن موسسه بیش از ۳۰ دانش‌آموخته این نهاد با تطبیق مدارک حوزوی و گرفتن مدرک معادل دانشگاهی با استفاده از سهمیه بورسیه و برای ادامه تحصیل به انگلستان، امریکا، کانادا، اتریش و هلند اعزام شدند و البته مسوولیت‌هایی هم در مراکز اسلامی آن کشورها به عهده گرفتند. از جمله اعزامی‌ها مرتضی آقاتهرانی و سقای‌بی‌ریا و علی مصباح‌یزدی فرزند آیت‌الله بودند. فرزند مصباح‌یزدی ابتدا در دانشگاه مک‌گیل مونترال کانادا به عنوان دانشجوی فوق‌لیسانس مشغول به تحصیل شد و پس از گرفتن مدرک فوق‌لیسانس برای ادامه تحصیل در مقطع دکترا راهی دیگر مراکز دانشگاهی کانادا و امریکا شد. مرتضی آقاتهرانی هم در دانشکده فلسفه دانشگاه ایالتی نیویورک مشغول به تحصیل شد و در اثنای تحصیل، امامت جماعت مسجد امام علی(ع) در منطقه بروکینز نیویورک را بر عهده گرفت. محمدناصر سقای‌بی‌ریا هم چونان او برای تحصیل عازم امریکا شد و ضمن تحصیل، امام جماعتی تگزاس را بر عهده گرفت. اگرچه موسسه آیت‌الله مصباح حضور غیررحانیون را ممنوع کرده اما در انتخابات ریاست جمهوری نهم پشت کاندیدای مکلا ایستاد و به اذعان سقای‌بی‌ریا حمایت خود و شاگردانش را متوجه محمود احمدی‌نژاد کرد.

به هر روی اگرچه رابطه دولت با برخی نهادهای روحانی یا علمای ارشد قم فراز و فرودهای ریز و درشتی را تجربه کرد اما همگان بر این باور بودند که رابطه دولت و موسسه امام خمینی(ره) کمترین افت و خیز را دارد و خواهد داشت.

اما با آغاز سال جدید آیت‌الله لب به انتقادهایی گشود که در ابتدا کمتر کسی باور می‌کرد که مخاطب و منظورش رئیس‌جمهور باشد؛ رویکردی که پس از اظهارات تلویزیونی احمدی‌نژاد درباره حجاب و برخورد انتظامی با بدحجابی آغاز شد. «حضرت علی(ع) با تازیانه وارد بازار می‌شد و اگر از کسی خلافی سر می‌زد وی را تازیانه زده و تعزیر می‌کرد. اسلام برای همه امور برنامه دارد و برنامه‌ای را برای کیفر در نظر گرفته است. مگر جامعه تنها معطوف به کار امنیتی با سلاح و کار فرهنگی با نرمی است. کار فرهنگی به جای خود، اما شأن و وظیفه وجودی دولت این است که مقررات را در مقابل متخلفان اجرا کند.» البته استعفای شاگرد مصباح از دولت و کمرنگ شدن نقش مرتضی آقاتهرانی در کابینه هم مزید بر علت شد تا این پرسش مطرح شود که آیا احمدی‌نژاد در سال پنجم دولتداری، رسم دیگری پیش گرفته و آیا فصل خداحافظی شاگردان آیت‌الله در کابینه آغاز شده است؟

خباز: سه ماه گذشته دو قانون برای مجلس ارسال شده است

از نوروز تا دیروز

« محمد خباز» عضو هیات تطبیق مصوبات با قوانین و مقررات مجلس در گفت‌وگو با ایلنا اعلام کرد: اکنون دو و نیم الی سه ماه است که دولت از اجرای اصل ۱۳۸ قانون اساسی امتناع می‌کند. می‌گویند همه مصوبات را به مجلس فرستاده‌ایم، در حالی که فقط همین دو مورد ارسالی را به همه نشان می‌دهند و می‌گویند مصوبات را به مجلس می‌فرستیم؛ در صورتی که این‌گونه نیست.

خباز در مورد این دو مصوبه‌ای که دولت به مجلس ارسال کرده، افزود: ظاهراً این دو مورد اساسنامه از دست‌شان در رفته و قصد داشتند به جای دیگری بفرستند. وی توضیح داد: ما مصوبات را از طریق سایت دولت و روزنامه رسمی دریافت کرده و موارد خلاف قانون را اصلاح می‌کنیم. عضو فراکسیون خط امام (ره) مجلس تصریح کرد: خیلی بد است که رئیس‌جمهور در حالی که برای پاسداری از قانون اساسی سوگند خورده است، از پس از عید نوروز تاکنون یک اصل مهم قانونی را اجرا نمی‌کند. اشاره خباز را می‌توان در اقدام میرتاج‌الدینی معاون پارلمانی مجلس دید که پس از انتقاد یکی از نمایندگان مبنی بر اینکه دولت مصوباتش را به مجلس ارسال نمی‌کند، ابتدا آن را تکذیب کرد و بعد با دو نسخه از نامه احمدی‌نژاد به جمع خبرنگاران آمد و این دو نامه را اسنادی دانست برای اینکه حرف مجلس را رد کند. هفته پیش هم در مجلس حاضر شد و وعده دیگری کرد و به نمایندگی از دولت قول داد که از این پس مصوبات دولت به طور مرتب به مجلس ارسال شود؛ وعده‌ای که خود حاکی از پذیرفتن اهمال در اجرای اصل قانون اساسی است. فرهاد تجری دیگر عضو هیات تطبیق مصوبات دولت در مجلس در پاسخ به اینکه آیا با توجه به اظهارات روز چهارشنبه مسوولان دولتی، مصوبات دولت بعد از تاخیر چندماهه سرانجام برای بررسی به مجلس ارائه شده است، پاسخ منفی داد و گفت: حدود دو ماه و نیم است که دولت اصل ۱۳۸ قانون اساسی را زیر پا گذاشته یعنی مصوبات هیات وزیران اعم از تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها و مصوبات کمیسیون‌های دولت را برای بررسی به مجلس نمی‌فرستد. اشاره خباز در مورد خلف وعده دولت را در این بخش از توضیح وی به مهر می‌توان دید. وی خبر داد در پی این رفتار دولت، اعضای هیات تطبیق قوانین دولت در مجلس خردادماه گذشته از فاطمه بداغی معاون حقوقی رئیس‌جمهور دعوت کردند و با وی مفصلاً به گفت‌وگو نشستند.

این عضو هیات تطبیق قوانین گفت: معاون حقوقی رئیس‌جمهور در آن جلسه قانع شد، اما مسیر همان مسیر نفرستادن مقررات ماند. وی ادامه داد: در عین حال برای آنکه سر و صدا بلند نشود در هیات به این نتیجه رسیدیم که از طریق روزنامه رسمی و سایت اینترنتی دولت، به مصوبات دولت تا جایی که ممکن است، دسترسی پیدا کنیم و ضمن بررسی آنها موارد خلاف قانون را به دولت اعلام کنیم که این روند در حال حاضر نیز ادامه دارد. خباز درباره تاکید مکرر مسوولان دولتی بر ارسال مصوبات به مجلس از جمله در ظهر روز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیات دولت گفت: من بعد از این اظهارات برای پی بردن به صحت آن عصر چهارشنبه به هیات تطبیق قوانین مراجعه کردم اما دیدم روش همان روش سابق است و دولت مصوبات را به مجلس نفرستاده است. خباز با بیان اینکه ارتباط مجلس و دولت هنوز بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی قطع است، حالا روزنامه‌ها را رابط میان مجلس و دولت دانسته است. وی اعلام کرد کار هیات تطبیق مصوبات هنوز متوقف نشده است و ما مصوبات را از طریق سایت دولت و روزنامه رسمی دریافت کرده و موارد خلاف قانون را اصلاح می‌کنیم. در صورت عدم اصلاح توسط دولت، رئیس مجلس اصلاحیه را برای روزنامه رسمی می‌فرستد. دولت دهم از شروع فعالیت خود تنها دو مصوبه هیات وزیران را به مجلس ارسال کرده است. این در حالی است که به طور معمول در هفته چند بار تشکیل جلسه می‌دهد و مصوباتی دارد که تاکنون از مجموع مصوبات خود تنها دو مصوبه را به مجلس ارسال کرده است. در مورد علت امتناع دو یا سه ماهه از اجرای یک اصل قانونی در ارائه مصوبات به مجلس نه دولت توضیحی داده است و نه در توضیح نمایندگان اشاره‌ای شده است.

سبحانی‌نیا عضو هیات‌رئیسه مجلس در پاسخ به اینکه چرا دولت طی سه ماه گذشته مصوباتش را به مجلس ارائه نمی‌داده است، گفت: آقای میرتاج‌الدینی علت عدم ارسال مصوبات دولت را طی چند وقت اخیر اعلام نکرد. بر اساس اصل ۱۳۸ قانون اساسی تمامی مصوبات پس از آنکه به تصویب هیات وزیران رسید با امضای رئیس‌جمهور یا معاون اول به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ می‌شود، همزمان باید یک نسخه از آن برای رئیس مجلس ارسال شود تا بررسی کند که آیا مصوبات با قوانین کشور مغایرت دارند یا خیر.

تجری نماینده قصرشیرین در مجلس مسوول ارسال مصوبات به مجلس را «محمدرضا رحیمی» معاون اول رئیس‌جمهور دانست و به مهر گفت اخیراً با وی دیدار داشتم و او هم بر این اعتقاد است که در پی رفع مشکلی که سبب تاخیر در ارسال مصوبات شده بود، این مسیر باید هرچه سریع‌تر برقرار شود و در آینده نزدیک نیز چنین خواهد شد. وی تاکید کرد: با توجه به اینکه معاون پارلمانی رئیس‌جمهور نیز در روزهای اخیر از تصمیم دولت برای ارسال مصوبات به مجلس خبر داده است، انتظار داریم در چهار پنج روز آینده مشکل حل شود.

حاشیه سیاست

لشگر بیکاران در گروه فشار

یکی از نویسندگان نشریه یالثارات گروه خودسری که مانع از برگزاری کنسرت سراج در کرمانشاه شدند را جزء نیروهای حزب‌الله ندانست و در مطلبی که در وبلاگ خود منتشر کرد، نوشت: متاسفانه مردم کرمانشاه گروهک [...] را به نام «انصار حزب‌الله» می‌شناسند که در این باره هم باید عرض کنم ایشان هیچ‌گونه نمایندگی انصار حزب الله را در استان و شهر کرمانشاه ندارد، بلکه خودش بر اساس یک اقدام غیرقانونی و در سایه ضعف مدیران اجرایی استان، سال‌هاست که گروهکی را تشکیل داده و نام آن را «حزب‌الله» نهاده و علیه هر شخصی که بخواهند با مهر «حزب‌الله کرمانشاه» بیانیه صادر می‌فرمایند و آنجایی هم که منافع‌شان بچربد بدون هیچ‌گونه مانع قانونی‌ای از امام و رهبری معظم انقلاب و نظام مقدس جمهوری اسلامی هزینه می‌کنند،همچنان که در اقدام غیرقانونی اخیر خود نیز برای توجیه این حرکت شنیع، به بند میم وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی(ره) و حمایت از مقام معظم رهبری استناد کرده است. این در حالی است که نظر صریح امام و رهبری و بسیاری از علمای بزرگوار این است که حتی تخلف از کوچک‌ترین قوانین رسمی کشور از نظر شرعی حرام و معصیت است. از همین رو حساب این فرد و گروه تحت مدیریتش از انصار حزب‌الله و نیروهای حزب‌اللهی کاملاً جداست و خبر برخی رسانه‌های ضدانقلاب خارجی که اعلام می‌کنند بر هم زدن کنسرت سراج در کرمانشاه به عنوان یک ماموریت ویژه از سوی دفتر مرکزی انصار حزب‌الله در تهران به [...] ابلاغ شده است، کذب محض و تهمتی آشکار به نیروهای حزب‌اللهی محسوب می‌شود. وی در بخش دیگری از این یادداشت می‌نویسد: اما نکته قابل تامل دیگر، درباره افرادی است که خود را در گروهک [...] جا داده‌اند و تحت فرمان او هر شیشه‌ای را می‌شکنند و هر فردی را به باد کتک و فحاشی می‌گیرند و هر اقدام غیرقانونی را انجام می‌دهند. بر اساس اطلاع موثق دریافتی،اغلب افراد گروهک [...] جوانان بیکار و جویای کار و جویای نامی هستند که گفته می‌شود حتی تارک‌صلاتند و هیچ‌گونه اعتقادی به نظام و انقلاب و ولایت فقیه ندارند. بلکه با عضویت در این گروه به دنبال فرصتی هستند تا شاید «حاجی» با استفاده از اقتدار بی‌چون و چرایش آنها را به اداره یا ارگانی معرفی کند و به قول معروف دست‌شان بند کاری شود و خر خود را از این پل بگذرانند، حال در این میان برای نشان دادن لیاقت و عمق ولایتمداری ظاهری خود چه چیزی مهم‌تر از بر هم زدن مراسم قانونی و اذیت و آزار مردم به نام حمایت از رهبری و نظام می‌تواند برای این افراد در اولویت باشد؟ و به راستی اگر از بسیاری از افرادی که امروز در این گروهک جای دارند حداقل امتحان احکام گرفته شود نمره قبولی آنان بدون شک صفر خواهد بود.

عزل مدیران مجرد در بوشهر

استاندار جدید بوشهر گفت: مدیران استانی که مجرد باشند، عزل می‌شوند. به گزارش فارس، محمدحسین جهانبخش دیروز در نخستین نشست خبری خود با رسانه‌های استان بوشهر با بیان اینکه مدیران متاهل موفق‌تر هستند، عنوان داشت: مدیرانی که در استان بوشهر مجرد باشند، عزل